

کلود عدّاس

چاپ دوم

در جست و جوی کبریت احمر

زندگانی ابن عربی

فریدالدین رادمهر



انتشارات نیلوفر



در جست‌وجوی

کبریت احمر

زندگانی ابن عربی

کلود عداّس

ترجمه

فریدالدین رادمهر



انتشارات نیلوفر

فهرست مطالب

- سخنی از مترجم فارسی ۱۱
- یادداشت مترجم انگلیسی ۳۱
- پیشگفتار ۳۳
- مقدمه ۳۵
۱. مولد و موطن ۵۳
- اندلس از آن خداست ۵۳
- حاتم طائی تبار ۶۲
- ایام جاهلیه من ۷۷
۲. رسالت ۸۷
- آنگاه که خدا مرا به خود خواند ۸۷
- ورود به طریقت ۱۰۴
- صوفیان غرب اسلامی به روزگار ابن عربی ۱۱۶
- شیوخ اشبیلیه ۱۳۰
۳. انتخاب ۱۴۹
- قرطبه، مکاشفه عظیم ۱۴۹
- اشبیلیه: عزلت‌ها و تجلیات ۱۵۹
۴. ابن عربی و فرزندان اندلسی ۱۷۷
- تحصیلات ابن عربی در حوزه دینی برحسب اجازه‌نامه وی ۱۸۳
- تحصیل ادب بر اساس کتاب محاضرة الابرار ۱۸۷
- تحصیلات کلامی و فلسفی ۱۹۱

۵. أَرْضُ اللَّهِ الْوَاسِعَةُ ۲۰۵
- أَنَا الْقُرْآنَ وَالسَّبْعُ الْمَثَانِي ۲۰۵
- وارث ابراهیم ۲۱۹
۶. فاس ۲۳۵
- مرا به نور برد ۲۳۵
- چهره‌ای بدون قفا ۲۵۱
- معراج ۲۶۷
۷. تودیع ۲۹۳
۸. حجّ اکبر ۳۱۳
- شرق تحت سیطره ایوبیان ۳۱۳
- سفر به مرکز ارض ۳۳۱
- در ظلال کعبه ۳۵۹
۹. عبادم را نصیحت نما ۳۷۱
۱۰. دمشق، مأمن انبیاء ۴۱۱
- ابن عربی و فقهای سوریه ۴۱۱
- ملاقات دو خاتم ۴۳۱
- فرجام ۴۷۵
- ضمائم ۴۸۱
۱. روزشمار زندگانی ابن عربی ۴۸۱
۲. ابن عربی و نحوه ارتباط وی با صوفیان متعدد در غرب جهان اسلام ۴۹۴
۳. فهرست مشایخ و معلمانی که قواعد دینی و شرع و سنت را در جهان اسلامی در غرب تعلیم می‌دادند و ابن عربی کراراً به آنان اشاره دارد ۴۹۵
۴. ادیبانی که در غرب جهان اسلام با ابن عربی مرآوده داشته‌اند ۴۹۹
۵. چهار سلسله خرقه اکبریه ۵۰۱
- کتاب شناسی ۵۰۹
- منابع خطی ۵۰۹
- منابع چاپی ۵۰۹
- فهرست اعلام ۵۱۷

۱. مولد و موطن

اندلس از آن خداست

ای که در اندلس زندگی می‌کنی، با همه رودها و ساحل‌ها و اشجارش، زهی سعادت‌مندی!
جنت عدن جایی نیست مگر همین مولد تو، و اگر مرا اختیار می‌بود که میان جنت عدن و
موطن تو یکی را برگزینم، این اخیر را اختیار می‌کردم.
از ورود به جهنم در فردا مترس زیرا آنکه به جنت رفته باشد هرگز دوزخ نخواهد دید.^۱

اشعار بسیاری در وصف افسون‌ها و جاذبه‌های اندلس سروده شده است، در
وصف باغ‌های سبزش، رودهای پر خروشش، ازهار و ریاحینش و روائح و عطرهای
دل‌انگیزش؛ ابیات مزبور سرودهٔ ابن خفاجه (۵۳۳/۱۱۲۳ وفات) در این زمینه را
نباید منحصر به فرد دانست.^۲ کشور اندلس سرزمین افسانه‌ها و جادوهاست یعنی
سرزمین فردوس و جنت است و ادبیات عرب مملو از این تأکیدات شورانگیز و
دل‌افزاست، شاعری دیگر می‌سراید: «اندلس و هرچه در اوست، خدایی ست.»^۳ از

۱. ابن خفاجه، دیوان طبع بولاق، ص ۷۲.

۲. برای مطالعهٔ بهتر در این خصوص بنگرید به هنری پرز *Poesie andalouse en arabe classique au x sicle, paris 1937* فصل‌های ۲ و ۳ و ۴.

۳. بنگرید به ذکر بلاد الاندلس للمؤلف المجهول، به اهتمام و ترجمهٔ مولینا، مادرید، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۱۲ متن عربی و ج ۲، ص ۱۹ ترجمهٔ اسپانیایی.

اظهاراتی این چنینی تا احادیث نبوی که معلوم است حضرت محمد هرگز نگفته است، فقط پله‌ای کوتاه وجود دارد؛ اهالی اندلس این پله را با اعتناء به همان احادیث جعلی ساختند. یکی از این احادیث می‌گوید: «بعد از وفات من در غرب، شبه جزیره‌ای فتح خواهد گشت که هر کس در آنجا بمیرد، شهید محسوب است...»^۴ یا در موردی دیگری می‌فرماید: «خداوند تمامی زمین را پیش من گستراند و من توانستم بنگرم که چطور بخش وسیعی از آن به نام من تحت تصرف خواهد آمد. من نگاه کردم و دیدم که اندلس آخرین فتح خواهد بود. از جبرئیل پرسیدم: ای جبرئیل این شبه جزیره چیست؟ وی پاسخ داد: یا محمد این شبه جزیره اندلس است که امت تو بعد از وفات تو آن را فتح خواهند کرد. هر کسی در آنجا بزاید و بزید، در مقام مبارکی منزل کرده است و هر کسی در آنجا بمیرد گویی شهید مرده است.»^۵ جمع این احادیث نشان می‌دهد رنجی که فاتحان عرب بردند تا بر آن دست یابند تا آن حد است که وسواس علمی گردآورنده احادیث در قبالتش ناچیز می‌نمود و منجر به جعل و نقل این احادیث شد. اجازه دهید اندکی به این سرزمینی بنگریم که منبع الهام بسیاری از شعراء و صاحبان دوا این گشته است. با شناخت متعارفی که از نویسندگان عرب زبان داریم، مراد آنان از اندلس، همین سرزمینی است که اینک آن را اسپانیا می‌نامند و در آن روزگاران، شوالیه‌های مسیحی کوشیدند تا بار دیگر آن را قدم به قدم باز پس ستانند.^۶ در خلال امپراطوری الموحدون که همان دورانی است که ما اینک در این کتاب با آن سر و کار داریم، اندلس یک امیرنشین خلیفه بود، یا بر طبق اصطلاحاتی

۴. این حدیث را زوهری (قرن دوازدهم / قرن ششم) در اثرش به نام کتاب الجغرافیا نشر حاجی صدوق، دمشق، ۱۹۶۸، ج ۱۱، ص ۲۲۶ نقل کرده است. و در ذکر ج ۱، ۱۶، ج ۲۲/۲ نیز آمده است. باید گفت این حدیث موثق نیست مؤلف گمنام کتاب الذکر نیز بیست حدیث یا بیشتر در این خصوص نقل کرده است. او اسناد این احادیث را به دست نمی‌دهد و فقط به ابن بشکوال و مسلم و غیره استناد می‌کند. درباره این گونه احادیث باید گفت که آنها را به فضائل می‌شناسند که در خصوص شهرها و کشورها آمده است و برخی از این احادیث در خصوص جای‌هایی است که در آن موقع هنوز وجود نداشتند. بنگرید به گلذیر، *Etudes sur tradition islamique*, Paris, 1984, pp 153-57.

۵. ذکر ج ۱، ۲۱۸، ج ۲، ص ۲۵.

۶. لوی پرونسال، اندلس، دائرةالمعارف اسلامی ویرایش ۲.

جغرافی دانان عرب به کار می بردند یک کورس بود شامل والانس یا والانثیا Valencia، تدمیر Tudmir (مرکز ناحیه مرسیه Murcia) و شاطبه Jativa در شرق طالع Levant (در شرق اندلس)؛ جیان Jaen؛ البیره Elvira (نزدیک غرناطه Granada) المریه Almeria و مآلفه Malaga در شرق؛ قرطبه Cordoba، اشبیلیه Seville، اسپجه یا استجه Ecija، و قرمونه Carmona و لبله Niebla در غرب؛ در جنوب، مورون Moron و سیدونیه یا شدونه Sidona و قلسنه و تا کرنا Tacoranna (مرکز ناحیه رنده Ronda)، و در الغرب Algrave (الغرب الأندلس) - یعنی پرتقال امروزی - و اُسکُنبا (با سیلوس در مرکز آن) و باجه Beja.

فارغ از اختلافاتی که به وجود چهار یا پنج نوع آب و هوا قائلند^۷، این حقیقت دارد که جغرافی دانان عرب در توصیفات خویش از اندلس به تکرار اقوال یکدیگر پرداختند و میان منابع گوناگون از این یک تا آن دیگری، چندان تفاوتی نتوان یافت. مثلاً یک نوع از آنها این است:

«اندلس قسمتی از شبه جزیره است که به سبب دریاها و رودها و میوه های متنوع و سرچشمه های پر آب آن بسیار مشهور است. اندلس با مردمان و اتفاقات عظیمش زبانزد همگان است. وحوش بسیار و پرندگان و ماهیان بسیار دارد. خاکش حاصلخیز و آبش گوارا و مردمانش آزاده اند. سراسر جنگل و قصرهای پر شکوه است. معدنیات و سنگ های گرانبها و کبریت و نقره دارد.»^۸ همین مؤلف اندکی بعد می نویسد: «اهالی اندلس بسیار دلیرند و در برابر حکومت بیگانگان رفتاری سخت نشان می دهند؛ حتی قیصر بزرگ شخصاً چنین بود....» و به این ترتیب، تصویر مزبور از اندلس کامل می شود!

این شرح خیال انگیز چندان دور از حقیقت نیست. نمی توان انکار کرد که منطقه قرطبه و اشبیلیه - بالاخص الشرف^۹ Aljarafe، منطقه ای در غرب اشبیلیه - و نیز

۷. بنگرید به مقاله میگوئل در دائرة المعارف اسلامی ویرایش ۲، اقلیم.

۸. الذکر ج ۱، ص ۳۱-۲۹ و ج ۲، ص ۶-۳۵

۹. برای تلفظ این اسم یعنی الشرف Al-jarafe بنگرید به دائرة المعارف الاسلامیه ج ۲، ذیل اشبیلیه، دارالمعرفه بیروت. م